

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»
۰۵ مارچ ۲۰۱۴

حیلة دور اسقاط در قبرستان افغانستان

۶

دعای دوره حیلة اسقاط :

بعد از این که دوره حیلة اسقاط به بیان رسید و مرده از قروض سبک بال وبری نمه گردید ، فقها بر خواندن این دعا بعد از ذکر بسم الله الرحمن الرحيم و حمد و صلوات تأکید نموده اند :

«اللهم تقبل هذه الحيلة الشرعية بحرمت نبيك المصطفى صلى الله عليه وسلم واجعلها لهذا الميت نجاةً واماناً عن التقصيرات والنقائص وفلا حأوفراغأذمته عن الحقوق ومخلصاً من العتاب وعذاب السعير ، اللهم اجعل ها له من الحقوق جبيرة ومن المعاصي فدية والى رضاك وسيلة والى الجنة قاندة ومن النار سترأ او حجاباً ، اللهم ثبته با لقول الثابت اللهم ثبت قدميه على الصراط يوم تزل الاقدام ، اللهم حصه بالروح والراحة والمغفرة والرضوان ، اللهم ان كان محسناً فزد في احسانه وان كان مسيئاً فتجاوز عنه ولقه الامن والبشرى والكرامة والزل لفي ، واغفر لنا ولجميع المؤمنين ، وصلى الله تعالى على خير خلقه محمد و اله وصحبه وسلم بر حمتك يا ارحم الراحمين .»

دادن صدقه از مال میت:

اما در مورد صدقه دادن به نیت ثواب برای میت، اگر از مال میت باشد کسی حق آن کار را ندارد زیرا آن مال دیگر متعلق به میت نیست بلکه متعلق به ورثه است پس بدون اجازه آنها کسی حق استفاده از آن مال را ندارد، مگر این که شخص میت در وصیتنامه خود ذکری از صدقه به فقراء و یا دیگر مسائل خیر آورده باشد که در آنصورت اگر مقدار مبلغ وصیت شده کمتر از ۳/۱ باشد باید آن وصیت توسط ورثه عملی شود.

و همچنین جائز است که کسان دیگر نیز از مال خودشان و به نیت رسیدن ثواب آن صدقه به شخص متوفی صدقه بدهد و اجر و ثوابش برای میت می رسد.

همانطور که از ابو هریره رضی الله عنه در صحیح مسلم نقل شده است که « شخصی از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسید که: پدر من فوت کرده و وصیتی نکرده است، و مالی را به جای گذاشته است، پس اگر به جای او صدقه بدهم کفاره گناهانش می شود؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: بلی. (صحیح مسلم - ۱۶۳۰).

امام نووی رحمة الله در این مورد می گوید: این حدیث دلیل بر جائز و مستحب بودن صدقه برای میت است و ثواب آن صدقه به میت خواهد رسید و شخص صدقه دهنده نیز استفاده خواهد برد و این مسأله اجماع همه مسلمانها است.

خواننده محترم !

قابل تذکر باید دانست که هستند تعدادی از علماء و فقها که اسقاط ربا شرایط رعایت شرع اسلامی و با نیت خیر مورد تأیید قرار داده اند ، ولی همه علمای اسلامی در این مورد متفق القول اند که طریقه ادای اسقاط امری بدعت می باشد .

متأسفانه دیده شده که مالی به نام اسقاط بدون در نظر گرفتن رسم شرعی ، و بدون تملیک مال به مستمندان واقعی با گرداندن مقداری از پول وهدیا بین ملای محله و اشخاص حرفه ئی به نام اسقاط توزیع می گردد که شرایط اخذ واجبات را عموماً ندارند ، وورثه میت طوری فکر می کند که با این عمل خویش شخص میت را از تمام فرایض فوت شده نجات داده اند .

در حالی که در توزیع مبلغی به نام اسقاط نکاتی وجود دارد که نکات شرعی آن رعایت نگردیده است و این نکات عبارتند از :

- ۱- مالی که برای دور و اسقاط استفاده می شود از کل مال میت بوده و مستحقان ترکه اکثراً همه حاضر نیستند و اگر چنانکه حاضر هم باشند گاهی در میان آنها صغیر (اطفال نابالغ) وجود دارد که اجازه آنها در شرع اعتباری ندارد .
- ۲- نحوه تملیک (دادن مال) به فقیر حالت حقیقی ندارد؛ زیرا اگر فقیری که برای تملیک آورده شده است، اگر مقداری از ترکه میت را برای خود بردارد ۹۹٪ باعث انکار اهل میت خواهد شد؛ سوای این که این مورد، عموماً به فقیر بیچاره اصلاً تفهیم نمی شود و او نمی داند که چه می گیرد و چه پس می دهد.
- ۳- شخصی که به او تملیک می شود، عموماً فقیر حقیقی نبوده، بلکه مابین ملای مسجد و خادم مسجد، و اشخاص حرفه ئی کار دور اسقاط را انجام می دهند.

حتی دیده شده است که در حیلۀ دایرۀ اسقاط امام مسجد محله سهم فعال می گیرد و در اول دایره به خاطریکه امام محله است جای می گیرد ، زمانیکه مال و متاع و هدایای اسقاط به دسترس وی قرار داده می شود ، کلمات عربی با خود زمزمه کرده ، اسقاط را تسلیم شده و دست به دست به نفر پهلوی خویش تسلیم می دهد و بدین ترتیب معمولاً بعد از سه دور و یاهم طوری که در فوق گفتیم ، مال اسقاط دوباره به دست ملای محل می رسد ، ملا پول را عمدتاً نصف کرده در جیب خویش می گذارد و متابقی نصف اسقاط را به مشترکین دایره اسقاط و یا هم به اصطلاح غربا توزیع می نماید . ملا می گوید که حالا گردن میت از فرایض نماز ، روزه ، زکات و حج و سایر فرایض قضای عمری خلاص شد و کفاره همه فرایضش اداء شود و میت بری الذمه اعلان شد . اینان به این فتوای های خویش هیچ فایده را برای میت نرسانند ، بلکه ورثه میت را و مدعیون را شامل گناه هم ساختند و به حق ورثه و سایر مدعیون جفاء هم کردند .

فتوای برخی از علماء در باره جواز اسقاط:

فقہائی که موافق به تأدیۀ اسقاط برای میت اند ، در فتوای دینی خود حکم می کنند که فهم اسقاط و تأدیۀ اسقاط بر میت از نص صریح قرآن عظیم الشان به اثبات رسیده است ، می گویند مسأله اسقاط را می توان از این آیت مبارک به دست آورد : « **وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ** » (سورۀ بقره آیت ۱۸۴) ترجمه: (کسی که توانائی روزه گرفتن نداشته باشد فدیۀ اش به یک مسکین طعام بدهد.)

بنابراین علماء می گویند وقتی که فدیۀ روزه در قرآن آمده است از آن می توان فدیۀ نماز را نیز به دست آورد و بر واجب بودن آن نیز حکم می نمایند .

همچنان برخی از علماء و فقهای اسلامی حیلۀ دور اسقاط را در برخی موارد جایز دانسته و می گویند ، فهم حیلۀ در قرآن عظیم الشان وجود داشته ، طوری که می فرماید « **حُدَّ بِبَيْدِكَ ضَعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنِثْ** » (سورۀ ص آیت ۴۴) (شاخه سبزه ها را به دستت گرفته بزن سوگندت را مشکن).

علماء می فرمایند زمانی که حضرت ایوب سوگند یاد کرده بود که همسر خویش را می زند ، بناءً پروردگار با عظمت برای او حیلۀ بیرون رفتن از سوگند متذکره را وحی فرمود.

همچنان پروردگار با عظمت برای یوسف در قرآن عظیم الشان فرمود :

«... كَذَلِكَ كُنَّا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ...»: ما بدینسان یوسف را راهنمایی کردیم تا با این حیلۀ بتواند برادرش را بر اساس قوانین و مقررات سلطان مصر در نزد خود نگاه دارد. بناءً حکم حیلۀ در قرآن عظیم الشان وجود که می توان از آن حکم حلیۀ اسقاط میت را نیز استنباط نمود .

تعدادی کثیری از فقهاء در مورد حیلۀ اسقاط بحث های مفصلی را به عمل آورده اند که تفصیل آن را می توان در کتب :

(نورالایضاح ص ۶۳ و فتح القدیر و طحطاوی و درمختار باب قضاء فوائت ص ۷۳ و مراقی الفلاح ص ۳۷۵ و غیره کتب مطالعه فرمایند .)

علماء بدین عقیده اند فدیۀ « اسقاط » در صورتی که میت بدان وصیت کرده باشد حتی واجب است که پرداخته شود.

فتوای مفتی امام ابن ابراز کردی در مورد اسقاط:

شیخ ابن ابراز کردی یکی از علمای جلیل القدر و مشهور مذهب امام ابوحنیفه در ساحۀ کردستان می باشد، موصوف طی فتوای خویش ، مسألۀ اسقاط را مورد تأیید قرار داده و می فرماید :

اگر کسی وفات کرد و نمازهای اداء نشده (قضائی) داشت حتی اگر نماز وتر هم باشد نصف صاع گندم را صدقه بدهید و اگر مالی نداشت نصف صاع گندم را قرض بگیرید و به مسکینی بدهید و مسکین آن را قبول کند و دوباره به وارثین میّت بدهد و وارثین دوباره آن را به مسکین بدهند و این کار را تکرار کنند تا تمام نمازهای گذشته میّت تمام شود. (الفتاوی البرزازیة ص ۶۹ ج ۴).

فتوای مفتی محمد الحصفی در مورد اسقاط:

شیخ مفتی محمد الحصفی از جمله علمائی است که عمل اسقاط را تأیید می کنند امام محمد الحصفی طی فتوای شرعی می فرماید: پس از مرگ میّت با تمام ملک او کل عمرش را در یک بار اسقاط کنید و اگر کل ملک او کفاف تمام عمرش را نکرد با قرض گرفتن این کار را بکنید، به این صورت که به مسکینی صدقه بدهید و مسکین دوباره آن را برگرداند و این کار را تکرار کنید تا فدیۀ تمام عمرش به پایان برسد. (در المننقی فی شرح المننقی ص ۲۵۰ ج ۱)

فتوای مفتی ابن عابدین در مورد اسقاط:

شیخ مفتی ابن عابدین یکی دیگر از علمائی است که به جواز اسقاط رأی داده است فقیه ابن عابدین، طی فتوائی می نویسد :

کسی که عمل اسقاط را انجام می دهد فرقی نمی کند که وارث میّت باشد یا غیر وارث و یا وکیل اسقاط کننده، به یکی از فقراء فدیۀ یکسال نماز میّت را بدهد و بگوید که این فدیۀ یک سال نماز فلانی پسر یا دختر فلان است با ذکر نام و نام پدر میّت و این مال به او تعلق داشت و سپس آن را به فقیر بدهد و به او بگوید این مال حال مال تو است و فقیر بگوید:

من این مال را قبول کردم و مالک آن شدم و حالا آن را به تو می‌دهم اینگونه فدیة نماز یک سال میت اداء می‌گردد و سپس به ۹ فقیر دیگر این کار را بکنند پس از این کار در یک دور فدیة نماز ۱۰ سال میت اداء می‌شود این کار را باید چندین بار انجام دهد تا تمام نمازهای فوت شده میت به اتمام برسد. وقتی تمام نمازها به پایان رسیدند دوباره به یکی از آن ۱۰ فقیر مالی به اندازه یک سال فدیة نماز میت بدهد و مثل قبل بگوید که این از مال فلانی ابن یا بنت فلانی است و فدیة سائر اعمالی است که برگردن میت واجب شده بود و این کار را با تمام فقراء دیگر انجام دهد و فقراء نیز تمام آن اموال را قبول کنند و دوباره به وارث و یا به وکیل او بدهند و لازم نیست که آن اموال بین فقراء تقسیم شود. این یک حيلة شرعی است و خداوند بر همه چیز داناتر است (منحة الخالق علی البحر الرائق ص ۹۸ ج ۲).

فتوای مفتی طاهر ابن عبد الرشید البخاری :

یکی دیگر از علماء، که در تأیید اسقاط فتوا داده است شیخ طاهر ابن عبدالرشید مشهور به البخاری، می‌باشد، موصوف طی فتوائی فرموده است: اگر میت مالی را به ارث نگذاشته بود، وارث آن، مالی به ارزش نصف صاع گندم قرض بگیرد و به مسکینی بدهد سپس مسکین آن مال را به وارث بدهد و این کار را تکرار کند تا تمام نمازهای اداء نشده میت تمام شود. (خلاصة الفتاوی ص ۱۹۲ ج ۱).

همچنان شیخ زین العابدین بن ابراهیم طی فتوای میفرماید :

زمانی که کسی خواست فدیة نماز و روزه پدرش را بدهد در حالی که خودش فقیر است دو من گندم بگیرد و به فقیری بدهد و سپس آن فقیر دو من گندم را به او برگرداند و این کار را ادامه دهند تا وقتی که تمام نمازها و روزه‌ها به پایان برسند. (خلاصة الفتاوی ص ۱۹۲ ج ۱)

فتوای شیخ اسماعیل حقی در مورد اسقاط :

وی در کتاب فوائد الفتاوی می‌فرماید: «بهتر است میت وصیت کند، تا تمام نمازهای عمرش یعنی (بعد از بلوغ) را اسقاط کنند حتی اگر آنها را به طور کامل اداء کرده باشد. (به خاطر احتمال فاسد شدن آنها به دلیل وجود نقصان در ارکان آنها) (تفسیر روح البیان ص ۵۰۰ جلد ۳)

همچنان علمای بزرگ دیگری نیز همچون علامه محمد ابوالسعود و علامه حسن الشرنبلالی و علامه الحلبي و امام ابن نعیم و علامه عبدالواحد السیوسانی نیز عمل دور و اسقاط برای میت را جائز دانسته و بر صحت آن تأکید کرده اند.

فتوای مفتی محمدشفیع عثمانی در مورد اسقاط:

مفتی محمدشفیع عثمانی پدر مفتی محمدتقی عثمانی حفظه‌الله در جواهرالفرقه ۳۸۷/۱ در جواب استفتاء از اسقاط می‌نویسد:

«در کتابهای فقه، همچون الدرالمختار، شامی و... تصریح شده است که از شرایط صحت اسقاط یکی این است: به شخصی که پول داده می‌شود، او را به درستی مالک و مختار آن قرار دهند که هر نوع تصرفی در هر جایی که بخواهد آن را مصرف کند، این طور نباشد که با يك دست گرفته و با دست دیگر بر می‌گرداند؛ زیرا این يك عمل بیهوده‌ای است؛ چنان‌که امروزه حيله‌ای که انجام می‌گیرد، نه اعطاء کننده، طرف گیرنده را مالک و صاحب اختیار می‌داند و نه

گیرنده چنین تصویری دارد که پول رسیده به دست او در ملک و اختیار او قرار گرفته است. بلکه دو سه نفر جمع شده مال مذکور را با هم می‌گردانند و حيله ياد شده را انجام می‌دهند و گمان می‌کنند که ما حق میت را اداء نمودیم و از تمام مسؤولیت‌های خود فراغت یافته‌ایم. در صورتی که از این عمل بی‌پهلو نه ثوابی به میت می‌رسد و نه کفاره و فدیة او اداء می‌شود و انجام دهنده این کار گناهکار است.

علامه ابن عابدین شامی در این مورد رساله‌ای به نام «منحة الجليل في اسقاط ما في الذمة من كثير و قليل» تحریر نموده و در آن چنین می‌فرماید: «و يجب الاحتراز من ان يديرها اجنبي الآ بوكالة كما ذكرنا او ان يكون الوصى او الوارث كما علمت. و يجب الاحتراز من ان يلاحظ الوصى عند دفع الصرة للفقير الهزل او الحيلة بل يجب ان يدفعها عازماً على تملكها منه حقيقة لا تحيلاً ملاحظاً ان الفقير اذا ابى عن هبتها الى الوصى كان له ذلك لا يجبر على الهبة الخ». (رساله منحة الجليل، مجموعه رسائل ابن عابدین ج ۱/۲۲۵)

خلاصه این‌که، امکان دارد بنیاد و اساس حيله مذکور مطابق با قواعد شرعی باشد، اما آن گونه که امروزه به طور رسم و رواجی انجام می‌گیرد بلاشبهه (یقیناً) ناجایز (است) و مفسد کثیره‌ای در بر دارد و باید ترك داده شود. خواننده محترم!

در اخیر این نوشته نظر مفتی محمود الفتاوی حنفی یکی از علمای مشهور دارالعلوم زاهدان را غرض مزید معلومات در بحث تقدیم خوانندگان محترم می‌دارم.

مفتی محمود الفتاوی می نویسد :

خلاصه این که امکان دارد بنیاد و اساس حيله مذکور مطابق با قواعد شرعی بوده است، اما آنگونه که امروزه بطور رسم و رواجی انجام می‌گیرد، بلا شبهه ناجایز و مفسد کثیره‌ای در بر دارد و باید ترك داده شود. مفسدی چند به طور اجمال ذکر می‌شود:

الف: در اکثر اوقات قرآن شریف و پولی که همراه آن بسته است، از مال متروکه میت است و تمام مستحقان آن که همانا ورثه میت‌اند در آنجا حاضر نمی‌باشند، لذا استعمال سرمایه مشترک آنان بدون اجازه حرام است. و در حدیث آمده است: «لا یحل مال امرء الا بطیب نفسه» و یا همه حضور دارند مگر بعضی از آنها نابالغاند که اگر اجازه هم بدهند شرعاً اجازه‌اش اعتباری ندارد، و ولی و سرپرست او اختیار ندارد که مال نابالغ را در چنین کاری خرج نماید، بلکه خرج کردن مال در چنین جائی حرام است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «ان الذین یاکلون اموال الیتیمی ظلماً انما یاکلون فی بطونهم ناراً» یعنی: «افرادی که اموال یتیمها را به ناحق خرج می‌کنند، آنان شکم خود را از آتش جهنم پرمی‌کنند»

لذا دادن و گرفتن چنین مالی حرام است.

ب: باز اگر مال مشترک نباشد، یا تمام ورثه بالغ و حضور داشته باشند و از همه اجازه گرفته شود، باز به تجربه ثابت شده که در چنین حالتی تشخیص دادنش بسیار دشوار و کار نا ممکنی است که آیا همه ورثه با طیب خاطر و رضای خویش اجازه داده‌اند یا به خاطر طعن و سرزنش مردم اجازه داده‌اند و نیز اجازه‌ای که به خاطر طعن و سرزنش مردم باشد، طبق حدیث مذکور نفی شده، و اعتباری ندارد.

ج: و اگر همه این موانع نباشد، یعنی همه ورثه بالغ باشند و با رضای خویش مال داده‌اند، یا وارثی از ملک شخصی خود آن را تدارک ببیند، باز هم از مفسد خالی نیست. مثلاً: روش اصلی حيله این است که به هر شخص اول قرآن شریف و پول نقد داده می‌شود و او را با وضاحت کامل تفهیم‌کنند که شما الان مالک و مختار هستید هر طوری که می‌خواهید

در آن تصرف کنید اجازه دارید و او به رضای خویش بدون رعایت کردن رسم و رواج از طرف میت به شخص دیگری بدهد و دومی به شخص سومی بدهد.

لیکن در حیلۀ مروج این مسائل را رعایت نمی‌کنند. در اول هر شخصی را که پول مذکور به وی می‌رسد، نه دهنده می‌داند که پول در ملک فقیر داخل شده و او اختیار تام دارد که در آن تصرف نماید، و نه گیرنده این تصور و خیال را دارد که مال مذکور در ملک من داخل شده است.

علامت صریح و ظاهرش این است که اگر آن شخص پولها را بردارد و به کسی دیگر ندهد، صاحبان مال این را تحمل نمی‌کنند و ظاهر است که در چنین صورتی تملیک صورت نگرفته است، و بدون تملیک هیچ قضاء و کفاره و نذر و فدیهای اداء نمی‌شود. پس این کار بیهوده و بی فایده است.

د: در صورت مذکور لازم است شخصی را که مالک قرار می‌دهند، او صاحب نصاب نباشد تا که مصرف صدقه قرار گیرد، مگر عموماً این چیزها را رعایت نمی‌کنند و توسط ائمه مساجد که اکثر صاحب نصاب هستند انجام می‌گیرد، لذا همه این کارها بی‌سود و بی‌فایده بوده به میت هیچ نفعی نمی‌رسد.

ه: و اگر بالفرض مصرف صحیح برای صدقه انتخاب شود و برای او مسأله کاملاً معلوم باشد که بعد از تحویل گرفتن پولها، مالک قرار می‌گیرد و در تصرف آنها اختیار تام دارد، و به خاطر خیر خواهی با میت به فرد دومی پولها را می‌دهد و دومی به سومی و در آخر به هر کسی که می‌رسد او مالک و مختار آنها قرار می‌گیرد، بنابر این از او پس گرفتن و دادن نصف آن به امام جماعت و تقسیم نمودن نصف دیگر بر غرباء و فقراء؛ تصرفی است در ملک غیر و ظلم بوده، و از نظر شرع مقدس حرام می‌باشد. كما مر فی الحدیث المذكور

و: اگر این شخص آخری بر تقسیم نمودن آن مال راضی باشد و تحت فشار قرار نگیرد، باز هم التزام چنین حیلۀ ای برای هر میتی و آن را جزء واجبات تجهیز و تکفین قرار دادن و لازم دانستن آن، احداث فی الدین می‌باشد که در شریعت آن را «بدعت» می‌نامند و اضافه کردن به دین و حرام است. (نقل از جواهر الفقه: ۱/). محمود الفتاوی دارالعلوم زاهدان.

یادداشت:

خوانندگان محترم! تفصیل بیشتر در موضوع حیلۀ اسقاط را می‌توان در کتب:

(جامع الرموز جلد اول صفحه ۱۶۱ و در رد مختار جلد ۲ صفحه ۱۲۳، و در نور الایضاح والمراقی والطحطاوی صفحه ۱۰۱ و بحر الق جلد ۲ صفحه ۲۸۴ و هندیه جلد ۱ صفحه ۲۲۰ و در منت الجلیل صفحه ۲۲۰ از تألیفات علاء الدین ابن ابن العابدین و سایر فتوهای علمای اسلامی که در فوق ذکر کردیم از آن به عمل آمد) مطالعه فرمائید. پایان